

5546

گنجینه های خطی ۱۴۹

# جبر و اختیار

تألیف

محمد بن حاتم بن حسن توسی

خواجه نصیرالدین توسی

(۶۷۲-۶۹۳)

تحقیق

دکتر شیخ محمود نعمتی

نشر مجمع ذخائر اسلامی

۱۳۹۳ خورشیدی

سرشناسه	: نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد، ۵۹۷-۶۷۲ق.
عنوان و نام پدیدآور	: جبر و اختیار
مشخصات نشر	: قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۳ ص.
فروست	: گنجینه‌های خطی؛ ۱۴۹.
شابک	: ۱۵۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۸۱۷-۰۰
وضعیت فهرست	: فیپاک مختصر
نویسی	
یادداشت	: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <a href="http://opac.nlai.ir">http://opac.nlai.ir</a> قابل دسترسی است
یادداشت	: کتابنامه.
شناسه افکار	: نعمتی، محمود، محقق
شناسه افزوده	: مجمع ذخائر اسلامی
شماره کتابشناسی	: ۳۸۳۷۲-۲
علی	

#### گنجینه‌های خطی: ۱۴۹



مجمع ذخائر اسلامی - قم، ایران

جبر و اختیار

تألیف: محمد بن محمد بن نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی

۹۷-۶۷۲

تحقیق: دکتر شیخ محمود نعمتی

نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم

چاپ: ظهور / صحافی: نفیس / نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴ ش (۲۰۱۵)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۸۱۷-۰۰

ارتباط با ناشر: قم: خیابان طالقانی (آذر) - کوی ۳۳ - پلاک ۱ - مجمع ذخائر اسلامی

تلفن: ۹۸۲۵۲۷۷۱۲۷۴۰ + دوردگاز: ۱۱۱۹ ۹۸۲۵۲۷۷۰ + همراهِ: ۹۱۲۲۵۲۴۳۵-۰

نشانی پایگاه‌های اینترنتی:

[www.zakhair.net](http://www.zakhair.net)

[www.mzi.ir](http://www.mzi.ir)

[info@zakhair.net](mailto:info@zakhair.net)

[info@mzi.ir](mailto:info@mzi.ir)

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

۵	..... مقدمه مختصر
۸	..... نظریه‌ی صحیح بر این جبر و اختیار
۱۳	..... معرفی برخی نسخه‌ها
۱۸	..... شرح حال خواجه‌ی حسن
۲۰	..... تشکر و اعتذار
۲۲	..... آغاز نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۲۳	..... انجام نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۲۴	..... آغاز نسخه خطی ترجمه‌ی عربی رساله در کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۲۵	..... انجام نسخه خطی ترجمه‌ی عربی رساله در کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۲۶	..... آغاز نسخه چاپ سنگی
۲۷	..... پایان نسخه چاپ سنگی

## جبر و اختیار / ۲۹

۳۱	..... مقدمه مؤلف
۳۴	..... فصل اول: در حکایت مذاهب در این موضع، و اشارت به حجّت هر قومی
۵۲	..... فصل دوم: در ذکر وجوب و امکان و امتناع و احکام هر یک
۶۰	..... فصل سیّم: در ذکر اسباب و علل، و اشارت به معنی جبر و اختیار
	..... فصل چهارم: در آن که سبب تا موجب نبود مسبّب از او صادر نشود یعنی [تا] صدور
۷۱	..... مسبب از او واجب نباشد، مسبب از او صادر نشود
۷۵	..... فصل پنجم: در بیان کیفیت استناد اتفاقیات بر اسباب آن بر طریق اجمال

۴ ..... جبر و اختیار

فصل ششم: در بیان آنکه وجوب فعل از فاعل، منافی اختیار او نبود ..... ۸۴

فصل هفتم: در ذکر قوا و افعال انسانی و فرق میان آنچه به اختیار او بود و آنچه نبود ..... ۹۴

فصل هشتم: در بحث از قدرت و ارادت و کیفیت صدور افعال اختیاری از هر دو . ۱۰۵

فصل نهم: در آنچه حاصل این مباحث است در این مطلوب و حل بعضی شبهه مذکوره..... ۱۱۵

فصل دهم: در آنکه اطلاق اختیار به این معنی بر باری تعالی شاید یا نشاید؟ ..... ۱۲۵

نمایه‌های متن رساله جبر و اختیار ..... ۱۲۹

۱- آیات ..... ۱۲۹

۲- وایات ..... ۱۲۹

www.ketab.ir

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## مقدمه محقق

یکی از مسائل مهمی که از دیرباز فکر و ذهن بشر را به خود مشغول داشته، چگونگی و نحوه صدور و سرزدن افعال انسان است. انسان‌ها همیشه این سؤال را در ذهن خود مطرح می‌کردند که آدمیان در افعال خود دارای اختیارند، یا جبورند. مگر ریشه‌ی این بحث را در آن جایی باید جست و جو کرد که همه‌ی پدیده‌های جهان - از پایین‌ترین مراتب، معلول خداوند بوده و سلسله‌ی همه‌ی موجودات به او منتهی می‌شود. از آن جایی که افعال و کارهای اختیاری انسان - هر از جرگه‌ی پدیده‌های این جهان بیرون نیستند و طبعاً به پدیدآورنده‌ای نیاز دارند، اگر پدیدآورنده‌ی آن‌ها خداوند باشد دیگر اختیاری برای انسان قابل تصور نخواهد بود، و اگر چنانچه خداوند پدیدآورنده آن اعمال نباشد، اشکال به وجود خواهد آمد. از این رو متکلمین حکماء و فلاسفه همیشه در پی یافتن پاسخ این پرسش بوده‌اند؛ آیا خداوند پدیدآور اعمال انسان

می‌باشد، یا انسان خود آفریننده‌ی افعال خود می‌باشد. از یک سو گروهی از متکلمین اشعری مذهب قائل بودند که خداوند فاعل منحصر به فرد عالم هستی است. او موجودات بدون هیچ واسطه‌ای به عنوان حقیقی می‌آفریند و اگر آتش می‌سوزاند و آب مرطوب می‌کند، همه فعل خداوند است و او اراده کرده است که آب مرطوب سازد و آتش بسوزاند. اگرچه او مرید سوزاندن و مرطوب ساختن است اما همو می‌تواند اراده کند هر جا آتش باشد رطوبت و سردی هم باشد، و هر جایی که آب موجود باشد، سوزش و حرارت در کار باشد. قصه درباره‌ی انسان هم همین‌گونه خواهد بود. آزادی ما فعل نفس ما نیست و رفتاری که از ما سر می‌زند وابسته به ما نخواهد بود. خداست که آن را انجام می‌دهد. اگر کسی می‌گوید من فلان کار را انجام دادم، این فاعلیت مجازی و غیرحقیقی است و همه‌ی امور از خداوند نشی می‌موند.<sup>۱</sup>

متکلمان معتزلی بر این اعتقاد بودند که علل یا واسطه، در علیت خودشان مستقل بوده و نیازی به خداوند ندارند. خداوند این جهان را آفریده و از کار فارغ شده است و جهان مستقلاً حرکت است. برای مثال آتش در سوزاندن و حرارت، و آب در رطوبت سردی مستقل‌اند و انسان هم از این قانون جدا نیست و افعال اختیاری بنی آدم، غیر از اراده

---

۱. آموزش عقاید، غروی‌ان، غلامی، میرباقری، ج اول، ص ۲۰۰ و ۲۰۱، انتشارات دارالعلم، ج ۳، ۱۳۸۱، قم.

و خداست و مشیت خودش هیچ مؤثری ندارد.<sup>۱</sup>  
 امام صادق علیه السلام فرمود: قدریه مجوس این امت‌اند. آنان کسانی‌اند که می‌خواهند خدا را به عدل و داد توصیف کنند ولی او را از سلطنتش خارج می‌کنند و این آیه «يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ \* إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»<sup>۲</sup> درباره آنان نازل شده است.

گروه دیگری قائل به چیز فلسفی‌اند. آنان با تمسک به قاعده‌ی الشیء ما لم یجب لم یوجد متمایل به این روش شده و خود را در چاه جبر افکنده‌اند. این قاعده راجب شده تا آنان به این گمان بل و هم بیفتند که اختیار در جهان معنی ندارد. هر پدیده‌ای با بودن علت تامه‌ی خودش پدید می‌آید - چه ما بخواهیم یا نه - به نخواستیم؛ و اگر چنانچه علت تامه‌ی چیزی محقق نشده باشد و تصمیم‌گیری نمی‌ماند.<sup>۳</sup>

شمار دیگری هم قائل به جبر طبیعی، یا جبر اجتماعی، - به تعبیر آیه‌الله شیخ جعفر سبحانی - شدند.<sup>۴</sup>

شرائط طبیعی در افعال ما بسیار مؤثر در حال چنانچه افعال

۱. همان، ص ۲۰۱.

۲. سوره قمر، آیه‌های ۴۸ و ۴۹. یعنی: روزی که به رو در آتش کشیده می‌شوند. لهیب آتش را بچشید. ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم. (ترجمه‌ی توحید الامامیه، ص ۴۷۸).

۳. آموزش عقاید، ج ۱، ص ۲۰۴. برای مطالعات بیشتر رک: محاضرات فی الالهیات، ص ۳۲۲.

۴. رک: محاضرات فی الالهیات، ص ۳۲۴-۳۲۶.

اختیاری هم برای انسان فرض کنیم از این تأثیرپذیری مستثنی نیست. حالات درونی از قبیل غم و شادی، ترس و نگرانی را که شرایط خارجی بر ما تحمیل می‌کنند و نیز صفاتی که احتمالاً از نیاکان خود به ارث می‌بریم و همچنین سلامتی و بیماری بدن که همه براساس قوانین طبیعی و تأثیر و تأثر متقابل بدن و روح انجام می‌پذیرد، شکل‌دهنده رفتار ما در زندگی هستند. هریک از حالات درونی و صفات نفسانی مقتضی رفتار و کردار خاصی است که غیر از آن ممکن نیست از انسان سر بزنند. بنابراین آیا ما در زندگی خویش از این به بعد مجبور هستیم؟ و آیا جبر در زندگی را باید بپذیریم؟!!

### نظریه‌ی صحیح پیرامون جبر و اختیار

واقعاً هر انسان متأملی فرو می‌ماند که در مقابل این آراء و نظریات چه کند؟ آیا تسلیم شدن در برابر معجزاتی که خدا را همه‌کاره‌ی اعمال انسان می‌دانند ولی خود آدمی را هیچ‌کار می‌دانند؛ یا پذیرفتن نظریه‌ی معتزلیان که خدا را خالق فرض کرده و پس از آن و بر به کنار می‌گذارند و او هم کار دیگری انجام نمی‌دهد و این موجوداتند که صاحب اراده‌اند؛ و یا گردن بر جبر فلسفی بنهیم و در انتظار علل تامه باشیم که اگر آمدند معلول هم بیاید و اگر نیامدند معلولی در کار نباشد و نیاید، و ما انسان‌ها هم قدرت تصمیم‌گیری و اختیاری نداشته باشیم و بنشینیم و نظاره‌گر



باشیم و یا در بست و به طور مطلق خود را اسیر طبیعت و جبر حاصل از آن گردانیم و همه چیز را بر گردن آن نهاده و خود را بری بدائیم و نقشی برای آدمیان قائل نباشیم و همه‌ی نقش‌ها را از آن طبیعت بدائیم؟! اما از آن جایی که خداوند فرموده است: ﴿فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِيغَةُ﴾<sup>۱</sup>، در راه رسیدن به پاسخ صحیح با برخورداری از نعمت امامت ظاهری و رهبری و راهنمایی فکری و باطنی ائمه‌ی معصوم سلام الله علیهم جای هیچ نگرانی نیست، با رجوع به مکتب حضرات معصومین به جواب راهگشا، متقن و استوار دست نبراهیم یافت، راهی که برخی از فیلسوفان غربی را هم بر آن داشت که در آن گام نهند، آن راه بی‌خطر و رساننده‌ی به مقصد و مقصود، و آن جواب متقن، همان نظریه‌ای است که از دو اصل توحید و عدل محافظت می‌کند و احدی را نه در چاه تاریک اشعری می‌افکند، و نه بی‌راهه‌ی معتزلی می‌کشاند، و آن اصل اصل امر بین امرین است که در مکتب اهل بیت پیامبر اسلام صلوات الله علیهم عرض شد و راه روشنی فرا روی بشریت گشود.

مرحوم شیخ محمد رضا مظفر اعلی الله مقامه فرموده است: واعتقادنا في ذلك تبع لما جاء عن ائمتنا الأطهار عليهم السلام من الأمر بين الأمرين والطريق الوسط بين القولين الذي كان يعجز عن فهمه أمثال اولئك المجادلين من أهل الكلام، ففرط منهم قوم، وأفرط آخرون ولم يكتشفه العلم والفلسفة إلا بعد عدة قرون وليس من الغريب ممن لم يطلع على حكمة الأئمة عليهم السلام

وأقوالهم ان يحسب ان هذا القول وهو الأمر بين الأمرين من مكتشفات بعض فلاسفة الغرب المتأخرين، وقد سبقه إليه ائمتنا قبل عشرة قرون.<sup>۱</sup>

دانشمند محترم آیةالله سیّد محسن خرازی در تعلیقه‌ی بر مطلب فوق از مرحوم مظفر، به نقل از شهید سعید مطهری رفع مقامه گوید: قال الاستاذ الشهيد المطهري ما حاصله: انّ هذا النظر - أي الأمر بين الأمرين - ابتدأ به من ناحية أئمة الدين عليهم السلام ثمّ بعد مضي مدّة من الزمن نظر حوله وتأمّل فيه الحكماء الالهيون حقّ التأمل فأروه مطابقاً للموازين الدقيقة العقلية المنطوقية.<sup>۲</sup>

مرحوم مظفر در ادامه‌ی بیان اعتقاد شیعیان در مسئله‌ی جبر و اختیار می‌فرماید: اما ملّا حضرت صادق عليه السلام برای بیان راه متوسط و میانه، در مسئله‌ی جبر و اختیار، این کلام مشهور را فرموده‌اند که: لا جبر ولا تفویض ولكن امر بين الأمرين.<sup>۳</sup>

در تعلیقه‌ی استاد خرازی ذیل همین روایت حضرت صادق عليه السلام می‌گوید: راوی حدیث فوق از حضرت صادق عليه السلام می‌رسد امر بین امرین به چه معنی است؟ امام در پاسخ می‌فرماید: مثل امر بین امرین مانند این است که تو مردی را در حال ارتکاب گناه می‌بینی و او را از انجام فعل حرام نهی می‌کنی و او با بی‌اعتنایی دست از ارتکاب گناه نمی‌کشد و کار

۱. بداية الالهية، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. همان. به نقل از اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۳، ص ۱۶۹.

۳. بداية المعارف الالهية، ج ۱، ص ۱۶۶.

خود را می‌کند و تو هم او را به حال خود وامی‌گذاری. این که تو او را نهی کردی و با دیدن بی‌اعتنایی او، ترکش کردی دلیل بر این نیست که تو را امر به انجام گناه کرده باشی و تو مقصّر و مسبّب گناه او نخواهی بود و او خود مقصّر و گناهکار است.<sup>۱</sup>

این پاسخ نورانی حضرت جعفر بن محمد، راه را برای پویندگان طریق حق و مستقیم می‌گشاید و اگر کسی طالب حق باشد این روایت و احادیث مشابه آن برای سکون و آرامش قلب انسان محقق کافی خواهد بود.

خواجه نصرالدین تویسی با تفتن و آگاهی عمیق از مسئله‌ی جبر و اختیار و مذاهب و مناہج اشعری و معتزلی و دیگر فریق و نحله‌ها و با آگاهی کامل از مسئله و معرفت به مذاهب حق، - با وجود تألیفات فراوان در رشته‌های مختلف علوم - دست به تألیف رساله‌ی کوچکی با نام جبر و اختیار می‌زند. او این نوشته کم‌حجم و پُرعننی و راهگشا را در ده فصل منعقد می‌کند و به تألیف می‌رساند و علت تصنیف آن را درخواست برخی برادران معرفی می‌کند که به توانایی او در تفهیم این مسئله مهم و اعتقاد داشته‌اند.

خواجه در مقدمه همین نوشته گوید: به حکم آن که بعضی برادران بر سبیل حسن ظنّ به محرر این سواد؛ تصور آن داشتند که در مباحث عقل چشم و دیداری دارد اقتراح کردند که آنچه او را روشن شده است

در مسئله‌ی جبر و قدر که از جمله‌ی مسائل مشکله است که میان اصناف و خلق دائر باشد و اکثر افهام از وصول به تحقیق آن قاصر، بر سیاق تقریر و تفهیم، نه بر طریق جدل و نظر تحریر کند، تسوید این اوراق اتفاق افتاد... و جمله در ده فصل مرتب گردانیده آمد. استاد بشر، عقل حادی عشر، خواجه‌ی توسی به عنوان یک دانشمند شیعی مذهب اثنی‌عشری پیرو کتب علمی حضرت صادق آل محمد علیهم‌السلام، بر همان طریق حد وسط و راه میان‌ه‌ی جبر و اختیار مشی می‌کند و در حال این عویصه، به فرمایش آن حضرت متمسک می‌شود. او در فصل نهم همین رساله می‌فرماید: و آنچه حضرت صادق علیه‌السلام فرموده است [که] لا جبر ولا تفویض بل امر بین الامرین...

اما در رابطه با شیوه تالیف حواجه باید گفت که در تصنیف رساله و بیان مذاهب و مناهج مسئله‌ی جبر و اختیار و ایراد قول حق و فصل الخطاب، روش تفهیم مسئله را مبنی بر سادگی برگزیده است و کمتر به نقل احادیث در مسأله تمسک کرده است. در این باب ذکر احادیث و اخبار بسیار گسترده بوده و راه، باز.

این شیوه به وضوح در این اثر به چشم می‌آید و حواجه نیز، خود، در مقدمه‌ی رساله بدان تصریح می‌فرماید: ... و اکثر افراد از وصول به تحقیق آن قاصر، بر سیاق تقریر و تفهیم، نه بر طریق جدل و نظر تحریر کند تسوید این اوراق اتفاق افتاد.

چنانچه مشاهده می‌شود قصد حواجه از اجابت درخواست برادران

در نوشتن این رساله به دلیل قصور بیشتر افراد بر مسئله، فقط به خاطر فهماندن مبحث مهم جبر و اختیار برای طالبان به روش ساده بوده است، به همین دلیل از جدل و ارائه‌ی مسائلی نظری احتراز کرده است.

### معرفی برخی نسخه‌ها

نسخه‌های خطی فراوانی در شهرهای مختلف ایران همچون تهران، مشهد، قم و اصفهان، موجود است که اسامی نسخ آن، در فهرست‌واره‌ی دست‌نوشته‌های ایران (=دنا)، مجلد سوم، تحت عناوین جبر و اختیار، جبر و قدر، رسالین قسریه و قضا و قدر، و نیز در مجلد هشتم دنا، ص ۲۴۸ تحت عناوین القضاء والقدر، الجبر والاختیار، خلق الأعمال والقدر فهرست شده است. نگفتن نامند که رساله‌ی القضاء والقدر تألیف علی بن محمد جرجانی (۷۴۰-۸۱۷)، تعریب رساله‌ی جبر و اختیار خواجه‌ی توسی است. بدین مطلب محمدتقی مدرس رضوی در مقدمه‌ی مصحح مجموعه‌ی رسائل خواجه نصرالدین توسی اشاره کرده است. او نوشته است: ... علاوه بر سه نسخه‌ی بالا، از نسخه‌ی تعریب جبر و قدر که رکن‌الدین محمد بن علی فارسی جرجانی آن را به عربی ترجمه کرده نیز استفاده شد... (مجموعه رسائل خواجه نصیرالدین توسی، مقدمه ج).

خواننده‌ی محترم دقت دارد که در فهرست دنا نام مترجم این رساله‌ی به زبان عربی، علی بن محمد جرجانی، و در مقدمه‌ی مدرس رضوی، محمد بن علی جرجانی است. حال کدام صحیح است؟ محمد بن

علی، یا علی بن محمد جرجانی. در پاسخ باید گفت ظاهراً محمد بن علی، صحیح به نظر آید.

مرحوم شیخ عباس قمی درباره‌ی این دانشمند گوید:

رکن‌الدین، الشیخ العالم البارع الجامع لشتات الفضائل السامی الی  
أسنی المنازل، الفاضل الفهامة المعاصر [ل]آیة‌الله العلامة وشارح کتاب  
المبادی. وله أيضاً رسالة الرحمة فی اختلاف الامة وکتب أخرى ورسائل  
سبیه فی الفنون العقلية والنقلية وتعریب کتب جلیلة نصیریه، نسبته الی  
نصیرالدین الطوسی [الفوائد الرضویة فی أحوال علماء المذهب الجعفریة،  
ج ۲، ص ۱۹۷].

به قرینه‌ی ذکر مرید کتب خواجه‌ی توس توسط این دانشمند که از  
شاگردان علامه‌ی حلّی بوده است و در متن شیخ عباس بدان اشاره  
شده، می‌توان قائل شد که محمد بن علی صحیح باشد، افزون بر این که  
علامه‌ی حلّی و خواجه نصیر هر دو معاصر بوده و جرجانی - هم چنان  
که اشاره شد - معاصر علامه حلّی بوده است بنابراین علی بن محمد  
جرجانی، مؤلف قضاء و قدر که در مجلد هشتم دنا به ثبت رسیده، ظاهراً  
نادرست می‌نماید.

این رساله برای نخستین بار در ذی‌حجه‌ی سال ۱۳۴۱ به اهتمام  
حاج احمد کتابفروش تهرانی، در مطبعه‌ی استاد نیکو سیر در ۵۹ صفحه و

---

۱. برای شرح حال محمد بن علی جرجانی نیز رک: معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۴۶  
و ۴۷ و فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۷۹۷.

۱۰ فصل به چاپ رسید. این جانب در سال‌های پایانی دهه‌ی شصت خورشیدی، این رساله را از مرحوم حاج شیخ محمود شفیعی، کتابفروشی سرای خوانساری‌ها واقع در بازار بزرگ اصفهان خریداری کردم.

دانشمند مرحوم محمدتقی مدرس رضوی نوشته است: ... این رساله در سال ۱۳۴۱ هجری در تهران چاپ شده و نسخه‌های متعددی هم از خطی آن، در کتابخانه‌های مهم ایران موجود است... (مجموعه رسائل خواجه نصیرالدین توسی، مقدمه، ب). کاتب این چاپ نخستین، مرحوم احمد بن محمد است همچنان که کاتب در پایان کتاب، خود بدان اشاره کرده و نوشته است: تکرار الرسالة والحمد لله رب العالمین. کتبه العبد احمد بن محمد ... فی ذی الحجه ۱۳۴۱

درباره‌ی نُسخ موجود خطی از این رساله همچنان که ذکر شد، به اسامی آنها در فهرست دنا اشاره شده است.

اما یکی دیگر از چاپ‌های این رساله چاپ دوم، به تصحیح و مقدمه‌ی مرحوم استاد محقق محمدتقی مدرس رضوی با نام مجموعه رسائل خواجه نصیرالدین توسی به ضمیمه‌ی پنج رساله‌ی دیگر از خواجه به سال ۱۳۹۰ خورشیدی توسط انتشارات دانشگاه تهران با همکاری مؤسسه‌ی پژوهشی میراث مکتوب به چاپ رسیده است.

مصحح برای تصحیح این رساله از چند نسخه‌ی فارسی و یک نسخه‌ی عربی که همان ترجمه‌ی رکن‌الدین جرجانی است استفاده کرده است که اختصاراً بدان‌ها اشاره می‌گردد:

۱- نسخه‌ی جبر و اختیار کتابخانه‌ی ملی ملک به شماره ۴۶۸۱/۳۱ به خط محمدقاسم بن بهزاد که در فهرست دنا، مجلد ۳، ص ۶۱۲، بدان اشاره شده است.

۲- رساله‌ی جبر و قدر کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره‌ی ۶۲۶ در ضمن مجموعه به خط نستعلیق که ص ۵۱ تا ۷۱ این مجموعه را دربر گرفته و در سال ۱۰۴۲ تحریر یافته است.

۳- نسخه‌ی شماره‌ی ۶۲۷ کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی.

۴- نسخه‌ی شماره‌ی ۶۲۸ کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی با نام قضا و قدر.

۵- نسخه‌ی «عرب جبر» و قدر رکن‌الدین جرجانی به شماره‌ی ۶۲۶ در ضمن مجموعه‌ی فوق‌الذکر کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی موجود می‌باشد.

۶- نسخه‌ی جبر و اختیار در ضمن مجموعه آثار، مضبوط در فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجلد هفتم، صفحه ۵۶۸۱ به شماره ۴۷۴۹/۶.

۷- نسخه‌ی خطی «عرب جبر و اختیار»، توسط رکن‌الدین محمد بن علی جرجانی، مضبوط در مجموعه آثار، موجود در فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، مجلد ۳۲، به شماره ۱۰۱۶۵/۱۰ که از صفحه ۲۰۰ تا ۲۱۳ ادامه دارد.

لازم به یادآوری است که رساله‌ی موجود پیش رو، عیناً با همان



خطبه‌ی عربی مترجم رکن‌الدین جرجانی یکسان است و هر دو با این عبارات آغاز می‌گردد:

الحمد لله ربّ الارباب ومسبب الاسباب ومفتّح الابواب وملهم الثواب  
ومسهّل الامور الصعاب... والانساب. (مجموعه رسائل خواجه نصیرالدین  
توسی، مقدمه، ب و ج).

مرحوم مدرس رضوی خود، به بهره از سه نسخه‌ی شماره ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ دعان کرده و می‌نویسد: ... نسخه‌ی حاضر، پس از چاپ با سه نسخه‌ی دیگر - به شماره‌های ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ کتابخانه آستان قدس است -، مقایسه و به ترتیب به علامات ج و پ و هـ در آخر کتاب [ص ۱۲۴-۱۳۶] اختلاف نسخ آن نموده شده است (مجموعه رسائل خواجه نصیرالدین توسی، مقدمه).

باتوجه بدان‌چه درباره‌ی نسخ مرحوم مدرس رضوی نوشته آمد، مصحح، در چاپ رساله درضمن مجموعه رسائل خواجه نصیرالدین توسی، از اولین چاپ رساله، مطبوع در ۱۳۴۱ قمری، سه نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی و متن مترجم عربی رکن‌الدین جرجانی بهره برده است، از این‌رو در تصحیح رساله‌ی پیش روی، و نیز برای آگاهی خواننده‌ی گرامی از نسخه بدل‌ها، از چاپ مصحح مرحوم مدرس رضوی با نام مجموعه رسائل خواجه نصیرالدین توسی بهره بردم، و قصد بنده، تنها، احیای نسخه‌ی چاپی سال ۱۳۴۱ قمری، و چاپ دوباره‌ی آن بوده، و در صدد مقابله‌ی کامل آن با دیگر نسخ موجود و ارائه‌ی نسخه‌ی

منقح نبوده است، که این خود، فرصت دیگری را می‌طلبد.

### شرح حال خواجهی توس

اما از توس عده‌ی بسیاری از مردان نام‌آور برخاسته‌اند که دست‌کم شش تن از آنان در اقطار عالم معروف‌اند و خدمتی که به علم، دین، ادب، شعر و سیاست مملکت‌داری کرده‌اند مورد تصدیق همگان است، و هریک از آنان مایه‌ی مباهات ما ایرانیان می‌باشد.<sup>۱</sup> یکی از آن سترگ مردان، خواجه نصیرالدین توسی می‌باشد که در ۵۹۷ق، در توس دیده به جهان گشود و حدود سال ۶۰۳ از پدرش - محمد بن حسن توسی -، و نیز از محضر عمو و کمال‌الدین محمد حاسب مقدمات علوم را فرا گرفت و در حدود سال ۶۱۳ حکمت و طب را در نیشابور از فریدالدین داماد و قطب‌الدین ابوالحارث ابراهیم بن علی نصری کسب کرد. یک سال پس از تجاوز مغول‌ها، در سال ۶۱۹ برای فراگیری فقه به خدمت معین‌الدین سالم بن بدران عالم امامی مذهب شتافت و در ۶۲۵ آموزش نجوم و ریاضیات را از کمال‌الدین بن یونس موصلی آغاز کرد و در حدود ۶۳۰ به خدمت ناصرالدین محتشم حاکم اسماعیلی مذهب قهستان رسید و در سال ۶۳۲ رساله‌ی معینیه یا المفید را در علم نجوم به نام معین‌الدین پسر ناصرالدین محتشم نگاشت و در خلال ۶۳۳-۶۳۲ رساله‌ی معینیه را شرح، و مشکلات آن را حل کرد و در همان سال ۶۳۳ از تألیف اخلاق

۱. رک: اخلاق نصری، مقدمه، ص ۱۴.

ناصری فارغ شد و آن را به ناصرالدین تقدیم فرمود. او همواره در مسیر تألیف کتب مفید علمی بود تا آنجایی که:

۱- در سال ۶۴۰ مشکلات اشارات را حل، و ایرادات امام فخر رازی را رد کرد.

۲- در ۶۴۲ از نگارش اساس الاقتباس در قهستان فارغ شد.

۳- خلال سال‌های ۶۴۳-۶۴۴ به قلعه‌ی الموت رفت.

۴- فراغت از تحریر نخست حل مشکلات الاشارات که شرحی است بر الاشارات و البیّهات بوعلی سینا، و پرداختن به متوسطان در ریاضی و نجوم، و نیز پرداختن به تحریر مجسطی و تحریر اقلیدس و فراغت از تحریر مجسطی.

۵- فراغت از اقلیدس در ۶۴۶.

۶- نگارش معیار الأشعار در ۶۴۹.

۷- اشتغال به تألیفاتی در ریاضی چون اکرثودوسیوس

(تاوذوسیوس) نجوم و طبیعیات خلال ۶۵۱-۶۵۳.

۸- فراغت نهایی مشکلات الاشارات در ۶۵۲.

۹- تسلط و چیره‌گی مغولان بر الموت و در آمدن خواجه به خدمت

هلاکو در ۶۵۴.

۱۰- چیره‌گی مغولان بر بغداد و سقوط خلافت عباسی و فراغت از

تجربید منطق در ۶۵۶.

۱۱- بنیان نهادن رصدخانه‌ی مراغه به دستور هلاکو زیر نظر

خواجه در ۶۵۷.

۱۲- فراغت از نگارش تذکره‌ی نصیریه در علم هیئت در ۶۵۹.

۱۳- تحریر اُکر نوشته‌ی منلاءوس (مانالائوس) و به پایان رساندن

دوره‌ی متوسطات در ۶۶۳ که در همین سال هلاگو درگذشت.

۱۴- فراغت از زیج ایلخانی در ۶۷۰، و بالاخره درگذشت این

دانشمند در بغداد به سال ۶۷۲.

همین آشنایی اجمالی با آثار پراج و گران‌سنگ این دانشمند

عظیم‌القدر، هر کس با منزلت این مرد عظیم آشنا شده و به بلندپایه‌گی و

درخشش او در آسمان دانش پی خواهد برد، اگر چه آنچه مذکور شد و

به قلم آمد، شمه‌ای از دراز بی‌پایان فضائل آن رادمرد است.

تشکر و اعتذار

بر این جانب لازم است که از معسر آیه‌الله استاد آقای حاج شیخ

هادی نجفی دام‌ظله که همیشه حقیر را مورد الطاف بی‌شائبه‌ی خودشان

قرار داده و در به پایان رسیدن این اثر، و عرسه‌ی آن به همایش ایران و

عراق و چاپ آن از کمک و یاری خود دریغ نفرمودند کمال تشکر را

داشته باشم.

و از محقق بزرگ حجة‌الإسلام والمسلمین آقای سید صادق حسینی

اشکوری دام‌ظله که زحمت چاپ این اثر را بر عهده گرفتند، تجلیل می‌کنم.

و همچنین از محقق فاضل آقای مهدی رضوی که در تهیه‌ی تصاویر

نسخ خطی این اثر زحمت کشیدند سپاسگزارم.  
و از سرکار خانم تهmine نصرآزادنی که حروف چینی و صفحه بندی  
زیبای کتاب را برعهده گرفتن نیز قدردانی می کنم.  
در پایان از حضور اساتید بزرگوار، دانشجویان و طلاب تقاضا مند  
است به عیوب و کاستی های این کار به دیده ی اغماض نگریسته و بنده را  
از راهنمایی های خود محروم نگردانند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

محمود نعمتی

کتابخانه مسجد نو بازار - اصفهان

۹۳/۱۱/۱۴

برابر با ۱۳/ ربیع الثانی / ۱۴۳۶

www.ketab.ir